



امام خمینی ره؛ مردی که دنیا را تکان داد

تصویر روزنامه‌هایی که روی آنها با فونت درشت نوشته شده بود «شاه رفت» بالای دست‌های مردم و تظاهرات‌کنندگان، هنوز هم ماندگارترین تصویر از روزهای پیروزی انقلاب است.

انقلاب اسلامی از منظر خبرنگاران خارجی

امام خمینی ره؛ مردی که دنیا را تکان داد

تصویر روزنامه‌هایی که روی آنها با فونت درشت نوشته شده بود «شاه رفت» بالای دست‌های مردم و تظاهرات‌کنندگان، هنوز هم ماندگارترین تصویر از روزهای پیروزی انقلاب است.

با این حال این تنها رسانه‌های داخلی نبودند که موضوع انقلاب ایران را به تصویر می‌کشیدند. در سراسر جهان و در یک مقطع چند ماهه، انقلاب مردم ایران یکی از مهم‌ترین اخبار و در صدر توجه رسانه‌های بین‌المللی بود؛ از تصویر حضرت امام(ره) که روی جلد مجله معتبر تایم نقش بست تا گزارش‌های اختصاصی خبرگزاری‌ها و مطبوعات بین‌المللی از تهران و حضور خبرنگاران خارجی در تهران همه و همه بخش‌هایی از پازل انقلاب و رسانه را می‌سازند.

حضور خبرنگاران رسانه‌های خارجی در تهران البته چیز عجیبی نیست؛ چرا که به‌طور طبیعی هر رسانه معتبر و بین‌المللی‌ای نهایت تلاش خود را در پوشش هرچه بهتر و دقیق‌تر مهم‌ترین اتفاقات جهان به‌کار خواهد بست و در این میان انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوادث قرن بیستم که تأثیرات قابل توجهی بر محیط پیرامونی و بین‌المللی داشت، نمی‌توانست از این اصل کلی مستثنا باشد.

روایت یک خبرنگار از پرواز انقلاب

وقتی که هواپیمای بوئینگ 747 شرکت هواپیمایی ایرفرانس در بهمن‌ماه 1357 از پاریس عازم تهران می‌شد، علاوه بر امام(ره) و یارانش چندین خبرنگار و عکاس خارجی را به ایران می‌آورد که قرار بود از نزدیک شاهد قیام ملت ایران و پیروزی انقلاب باشند. دکتر نصیر تامارا، خبرنگار اندونزیایی روزنامه سیارا پمبارون یکی از این خبرنگاران بوده که البته به گفته خودش از سوی شخص حضرت امام(ره) برای همراهی کاروان انقلاب دعوت شده است. او در این‌باره می‌نویسد: «یک بار آیت‌الله خمینی در حیات منزلشان در دهکده نوفل‌لوشاتو به من گفت: ما دولت جدیدی به نام جمهوری اسلامی ایران تأسیس خواهیم نمود و برای تحقق این هدف بود که ایشان و چند صد نفر از همراهان شجاعانه به ایران مراجعت کردند. در آن جلسه آیت‌الله خمینی افزود: ممکن است شما نیز به‌عنوان یکی از شاهدان انقلاب با ما به ایران پرواز نمایید».

دکتر تامارا درباره حال و هوای پرواز تاریخی هواپیمای حامل حضرت امام(ره) می‌گوید: «من ازجمله روزنامه‌نگارانی بودم که آیت‌الله خمینی از آنها خواسته بود به ایران پرواز کنند. در هواپیما آیت‌الله روح‌الله خمینی ساکت روی صندلی خود نشسته بود. از ایشان پرسیدم چه احساسی دارد. پاسخ داد: من خوب هستم و انقلاب ما پیروز خواهد شد».

باد، عبای سیاهش را تکان می‌داد...

اما روایت جوالکس موریس جونیور، خبرنگار آمریکایی روزنامه لس‌آنجلس تایمز از انقلاب ایران هم در نوع خود شنیدنی است. او که در تاریخ 19 بهمن 57 و در جریان پوشش رسانه‌ای توسط عوامل رژیم شاه کشته شد، درباره ریشه‌های مذهبی انقلاب مردم ایران می‌نویسد: «در حالی‌که روی طاق یک مینی‌بوس فولکس‌واگن ایستاده و باد عبای سیاه‌رنگش را تکان می‌داد، روحانی جوانی برای خطاب کردن به جمعیتی که در اطراف بنای شهید [آزادی] ازدحام کرده بودند از یک بلندگو استفاده می‌کرد. او گفت: «به خانه‌هایتان برگردید، متفرق شوید، فردا بازگردید».

جمعیت که اکثراً از افراد جوان همچنین از زنان و افراد مسن تشکیل شده بود و کیلومترها در بزرگ‌ترین تظاهرات ضدحکومتی که این شهر تاکنون به‌خود دیده راهپیمایی کرده بودند، به‌تدریج متفرق شدند. آنها امید داشتند خطابه‌هایی شورش‌برانگیز علیه محمدرضا شاه پهلوی بشنوند اما چنین خطابه‌هایی ایراد نشد. این حادثه تنها نمونه کوچکی از یک پدیده جالب توجه بود. ایران در بحبوحه یک انقلاب سیاسی است اما نه به رهبری سیاستمداران بلکه به رهبری رهبران مسلمان کشور. در اینجا انقلابی

بر مبنای مذهبی در اوج طغیان است و هیچ کس نمی‌داند چگونه و به کجا ختم خواهد شد.

گزارش یک قتل عام

تهران اگرچه قلب تپنده انقلاب در ایران بود اما رسانه‌های خارجی هرگز از پوشش وقایع انقلابی و تظاهرات مردم شهرهای دیگر ایران غافل نشدند. خبرگزاری آسوشیتدپرس در 13 دسامبر 1978 همزمان با آذرماه 1357 در گزارش خود روزهای پراشتهاب تظاهرات در اصفهان را اینگونه به تصویر می‌کشد: منابع پزشکی در روز سه‌شنبه گفتند که از دوشنبه در اصفهان سربازان ارتش از زمین و هلی‌کوپترها شلیک کرده و حداقل 40 نفر را کشته و بیش از 600 نفر را زخمی کرده‌اند. منابع اظهار داشتند که 5 بیمارستان در شهر صنعتی اصفهان در 250 مایلی جنوب تهران از غیرنظامی‌هایی که شدیداً زخمی شده بودند با فشردگی پر شده بود. آنها گزارش دادند که بیش از 20 نفر از این کشته‌ها در روز دوشنبه بعد از تظاهرات مذهبی عاشورا (نقطه اوج احساسی مسلمانان شیعه در ماه مقدس محرم)، کشته شده بودند. منابع مخالف ادعا می‌کردند که صدها نفر از دشمنان شاه به وسیله تیراندازی ارتش قتل‌عام شدند. بعضی از آنها به وسیله سیل مسلسل‌ها از هلی‌کوپترها قتل‌عام شده بودند.

اول به من شلیک کنید

چند روز پس از انتشار این گزارش روزنامه بوستون گلوپ آمریکا حماسه پیوستن سربازان نیروهای نظامی و انتظامی به مردم را اینگونه شرح می‌دهد: دیروز تعدادی از سربازان، اسلحه‌هایشان را کنار گذاشتند و اعلام کردند: «ما شلیک نخواهیم کرد». آنها به تظاهرات‌کنندگان پیوستند و به راهپیمایی پرداختند. تظاهرات‌کنندگان 12 تانک را در کنترل خود داشتند و سربازان را می‌بوسیدند و آنها را به شانه‌هایشان نهاده، فریاد می‌زدند «سربازان برادران مايند».

بوستون گلوپ در ادامه گزارش خود تلاش می‌کند تا آنچه به‌عنوان نمونه در جریان اعتراضات شهر تبریز به وقوع پیوسته را به‌صورت کامل برای مخاطبان خود توصیف کند تا آنها نیز درک کاملی از روزهای پرتنش انقلاب در ایران داشته باشند. در ادامه این گزارش آمده است: یک روحانی عبایش (لباس مخصوص) را درآورده و به سربازان گفت: «قبل از اینکه به مردم شلیک کنید باید اول به من شلیک کنید». اینطور چندین تظاهرات‌کننده سینه‌های لختشان را به طرف اسلحه سربازان گرفتند. در این لحظه چند سرباز اسلحه‌هایشان را کنار گذاشتند و گفتند: «ما شلیک نخواهیم کرد». سپس آنها به تظاهرات‌کنندگان (همراه با شعارهای مذهبی) پیوستند. به سربازان ملحق شده، لباس غیرنظامی داده شده که آنها پوشیدند. سپس تظاهرات‌کنندگان همراه با سربازان ملحق شده در مدت کوتاهی سوار بر تانک‌ها شدند. گروهی از سربازان به پایگاه‌شان در تبریز رفتند و گروهی دیگر با تظاهرات‌کنندگان ماندند.

آتش بازی با تصاویر شاه

اما روزنامه کانزاس سیتی تایمز آمریکا در مقاله‌ای که در تاریخ 14 دسامبر 1978 مصادف با آذرماه 1357 به چاپ رسید به عظمت رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که با اینکه آیت‌الله خمینی هیچ حزب سیاسی را رهبری نمی‌کند، هیچ ارتشی را تحت فرمان ندارد و هیچ قدرت خارجی از او حمایت نمی‌کند، مدت 15 سال است که در خارج از ایران رهبری یک جنبش بزرگ مردمی را به‌عهده دارد. این روزنامه حال و هوای شهرهای ایران را اینگونه به تصویر می‌کشد: در 11 ماه گذشته تظاهرات‌کنندگان تقریباً در هر شهر کوچک و بزرگ ایران تمثال رهبر مذهبی را که به‌نظر سیدی است با محاسن سفید و عمامه سیاه، تکان می‌دادند، درحالی‌که مردم تصویر شاه را که در هر گوشه و کنار پیدا می‌شود پاره‌پاره می‌کردند و با تکه‌های آن آتش‌های بزرگی را فراهم می‌کردند.

تهران در خون می‌غلند

همچنین روزنامه کریستین ساینس مانیتور در مقاله‌ای که دی‌ماه 1357 به قلم پات.ام. هلت در این روزنامه منتشر شده به ناتوانی نخبگان سیاسی آمریکا در شناخت زمینه‌های سقوط شاه در ایران و عدم کارآمدی سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) در ارائه اطلاعات دقیق از رهبران اصلی انقلاب اشاره می‌کند اما مقاله‌ای که در تاریخ 30 دسامبر 1978 در روزنامه لس‌آنجلس تایمز به چاپ رسید به جنایات رژیم شاه در 17 شهریور 1357 در میدان ژاله تهران (میدان شهدا) می‌پردازد. نویسنده که خود در تهران حضور دارد به این حقیقت اعتراف می‌کند که حجم کشتار مردم توسط شاه آنقدر است که آماری نظیر شمردن اجساد، دیگر نمی‌تواند عمق آنچه را که در ایران می‌گذرد نشان دهد. رنگ موجود در خیابان‌ها که رنگ سرخ خون ملت ایران است نشان می‌دهد که بر سر ایران چه آمده است.

دان شانخه در گزارش خود می‌نویسد: رنگ این شهر فلج‌شده در روز جمعه سرخ بود. انفجار نارنجی مایل به سرخ از لوله

مسلسل‌های ارتش. سربازان و خدمه دولت با شتاب رنگ قرمز زنگاری به روی دیوار خانه‌ها، ساختمان‌ها و بناها می‌پاشیدند تا شعارهای تلخ و زهرآگین ضدشاهی را بزدايند. اما شعارهای دیگری که می‌گفتند «شما نمی‌توانید ننگ و شرم خود را با رنگ بپوشانید» دوباره دیوارها را می‌پوشاند. شعله قرمز آتش‌سوزی‌های بزرگی که ماشین‌ها و وسایل نقلیه دولتی را می‌سوزاند توسط دانشجویان بی‌باک و جسور تظاهرکننده مخالف حکومت برافروخته شده بود تا سربازان را گیج و چهارراه‌های شهر را مسدود کند و زشت‌تر از همه اینها رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای خون لخته‌شده‌ای بود که سر تا پای لباس پاره‌پاره شده از گلوله جمعی از اجساد روز جمعه را در قبرستان بهشت‌زهرها پوشانده بود.

چادر گلدار با گل‌هایی به رنگ خون

شانخه به‌نظر می‌رسد به‌شدت از مشاهده این جنایت متأثر شده بود در گزارش خود تهران پس از 17 شهریور را اینگونه به تصویر می‌کشد: یک چادر روشن و گلدار زنی که 24 ساله به‌نظر می‌آمد را پوشانده بود، اگر چه حدس‌زدن سن و سال این زن بسیار دشوار بود زیرا بیشتر سرش را گلوله با سرعت بسیار زیاد از هم پاشیده بود. به‌نظر می‌آمد که او تقریباً 4 ماهه آبستن بود. همان رنگ خون پیژامه راه‌راه پیرمردی شاید 80 ساله را رنگین ساخته بود. گلوله به قفسه سینه‌اش خورده و قبل از مرگ، خون زیادی از او رفته بود و همان خون تقریباً تمام لباس پسری 8 یا 9 ساله را که از جراحی گردن مرده بود می‌پوشاند. کریستین ساینس‌مانیتور گزارش خود از حال و هوای تهران را اینگونه به پایان می‌برد: آماری نظیر شمردن اجساد دیگر نمی‌تواند دقیقاً آنچه را در اینجا می‌گذرد بیان کند. اما رنگ موجود یک معیاری به‌دست می‌دهد و آن رنگ سرخ است.

من هم بخشی از آن خواهم بود

اما روایت دیوید برنت، عکاس مجله تایم که اوایل دی‌ماه ۱۳۵۷ به ایران آمد تا برای این مجله از رخداد‌های انقلاب عکاسی کند هم در نوع خود خواندنی است. زمانی که او با توصیف شرایط تهران در روزهای انقلاب از وقوع یک رویداد مهم تاریخی خبر می‌دهد و می‌نویسد: من در تعداد زیادی از تظاهرات سیاسی فرانسه، راهپیمایی‌های ضدجنگ آمریکا و حتی چند تا از تظاهرات ویتنام در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۷۲ حاضر بوده‌ام اما این اولین بار است که می‌بینم تجمع خیابانی به شلیک گلوله منجر می‌شود. برای من، این لحظه، «غسل تعمید آتش» است؛ لحظه‌ای که می‌فهمم این، اتفاق کوچکی نیست که بگذرد و فراموش شود. این یک ماجرای بزرگ است و من هم بخشی از آن خواهم بود.